خبر

دولت به مردم وعده ندهد

نماینده ولی‌فقیه در گلستان گفت: دولت اگر توان اجرایی ندارد به مردم وعده ندهد و راه‌آهن اینچه‌برون با وجود تشریفات زیاد در افتتاح، سبب رونق استان نشد. به گزارش تسنیم به نقل از روابط‌عمومی دفتر نماینده ولی‌فقیه در استان، آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی در دیدار با عاشوری عضو هیئت‌مدیره و رئیس کمیته حمل و نقل راه‌آهن کشور و جمعی از مدیران راه‌آهن ایران اظهار داشت: انتظار داشتیم تشریفاتی که برای افتتاح راه‌آهن اینچه‌برون انجام گرفت سبب توجه بیشتری به منطقه شود و دروازه‌ای از آسیای میانه به استان باز کند و سبب رونق نقل و انتقال و ترانزیت بار شود. وی با بیان این که متاسفانه انتظارات ما در حوزه راه‌آهن اینچه برون برآورده نشد، افزود: در شرایطی که سالانه ۵۰ میلیون تن بار از چین به اروپا و سایر کشورها می‌رود، راه‌آهن می‌توانست با بهره‌گیری از این ظرفیت برای مناطقی مانند گلستان که محرومیت‌های بسیاری دارد کمک بسیاری باشد. نماینده ولی‌فقیه در گلستان که معتقد است دولت و تشکیلات راه‌آهن باید به سمت استفاده از ظرفیت کشورهای آسیایی مانند چین برود، اضافه کرد: متاسفانه نه تنها کاری نمی‌شود بلکه برای بخش خصوصی هم مشکلات ایجاد می‌کنند به گونه‌ای که یکی از سرمایه‌گذاران که مایل بود از چین بار بیاورد پیش من از حمایت نشدن توسط مسئولان استان گله کرد. وی با تاکید براین که باید برای بخش خصوصی و سرمایه‌گذار فرش قرمز پهن کنیم، گفت: بخش خصوصی چند بار پیش ما گلایه کرده‌اند و بارها به آقایان متوصل شده‌ایم که مشکلات را حل کنید اما نتیجه نداد. باید در شرایطی که اینچه برون خبری نیست از سرمایه گذاری حمایت کنیم ولی وجب به وجب زمین به سرمایه گذار بحث دارند. آیت‌الله نورمفیدی با گلایه از شرایط استان، ضمن بیان این که وضعیت حاضر برای من این امید را ایجاد نکرده که بتوان تحول را دید، افزود: دوست دارم تا زمانی که هستم شاهد تحولات باشم. نماینده ولی‌فقیه در استان ادامه داد: سرمایه‌گذارها به جای تشویق با مشکلات روبه‌رو هستند و امیدوارم با شرایط جدید مدیریت استان که خود استاندار هم اهل کارهای اقتصادی در راستای پیشرفت توسعه اقتصادی است و با همکاری راه آهن شاهد رونق اینچه‌برون باشیم. وی با تاکید بر این‌که می‌شود به انعطاف هم حق دولت را داد و هم مردم را راضی کرد، اظهار کرد: قبلا برخی مدیران داشتیم که رفتند و آن ها به جای حل مشکل و باز کردن گره، گره را دوچندان می‌کردند. دل ما می‌خواهد روزی در آینده نزدیک فرا برسد و ببینیم که ایستگاه اینچه‌برون مرکز فعال اقتصادی برای ترانزیت بار باشد و محرومیت ترکمن صحرا هم با کمک آن برطرف شده است. نماینده ولی‌فقیه در استان گلستان در ادامه به راه‌آهن گرگان– گنبدکاووس– کلاله– مشهد اشاره کرد و افزود: این طرح هم در سفر رهبر معظم انقلاب وعده داده شد و هم در سفر رئیس جمهور دوباره اعلام کردند. وی این راه‌آهن را آرزوی دیرینه مردم منطقه اعلام کرد و ادامه داد: روزانه ۴۰ هزار خودرو از جاده این مسیر رفت و آمد می‌کند در حالی که ظرفیت این حجم را ندارد. متاسفانه در جاده های ما ساخت و ساز کنار جاده است و افراد رفت و آمد دارند به همین علت حوادث زیادی رخ می‌دهد، از سوی دیگر ظرفیت تردد هم ندارد. آیت‌الله نورمفیدی با انتقاد از این که وعده‌های داده شده عملی نشده‌اند، گفت: نباید وعده دهیم اما اگر وعده دادیم شروع به عمل کنیم.

اختلاس میلیاردی دریکی از بانک‌های گلستان

دادستان عمومی و انقلاب مرکز گلستان از اختلاس میلیاردی دریکی از بانک‌های گلستان خبر داد و گفت: متهمان نزدیک به یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان اختلاس کردند. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دادگستری گلستان، حجت‌الاسلام سید مصطفی حقی اظهار کرد: در پی شکایت مدیر شعب یکی از بانک‌های دولتی استان مبنی بر اختلاس و تحصیل مال نامشروع پنج متهم شناسایی و دستگیر شدند. وی افزود: چهار نفر از متهمان که دو نفرشان از کارمندان این بانک هستند بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان از حساب‌های راکد مشتریان برداشت و به‌حساب متهمان غیر کارمند انتقال می‌دادند. حقی افزود: همچنین یک پرونده اختلاس دیگر نیز برای یکی از کارمندان همین بانک با ۶۵ میلیون تومان در حال رسیدگی است. وی ادامه داد: این پرونده‌ها در شعبه ویژه جرائم اقتصادی دادسرای گرگان در حال رسیدگی است.

آسانسورهای ناایمن بلای جان گلستانی‌ها

علیرغم تلاش اداره کل استاندارد گلستان و نظام مهندسی ساختمان در زمینه ایمنی آسانسورها، اما شاهد حوادث ناگواری در این زمینه هستیم و این امر نیازمند اهتمام بیشتر ونظارت دقیق‌تر مسئولان است. به گزارش مهر، براساس آمارها، حوادث آسانسور در شهرهای بزرگ به یک مشکل اساسی تبدیل شده که دلیل اصلی بروز آن استاندارد نبودن آن‌هاست. امروزه با ساخت آسمان‌خراش‌ها و برج‌های بلند، نیاز به استفاده از آسانسور بیشتر از گذشته احساس می‌شود. اما این کابین کوچک که بدون راننده و تنها با فشار یک دکمه به راحتی ساکنان آپارتمان‌های چند واحده و بلند را بالا و پایین می‌برد نیز می‌تواند مشکلاتی را برای استفاده‌کنندگان ایجاد کرده و حتی با حوادث دلخراش زندگی افراد را به خطر بیندازد. محبوس شدن در آسانسور، گیر کردن لباس و اعضای بدن میان کابین و چاه آسانسور، سقوط در داخل چاه آسانسور و سقوط کابین از جمله حوادثی است که ممکن است در صورت ایمن نبودن آسانسور پیش بیاید اما بی‌تردید با رعایت نکات ایمنی و انجام سرویس ماهیانه می توان جلوی چنین مسائلی را گرفت و احتمال وقوع حوادث را کاهش داد. معضل آسانسورهای غیراستاندارد در گرگان نیز وجود دارد، مقررات استانداردسازی در ساختمان های قدیمی شهر رعایت نمی شود و حوادث زیادی را به خود اختصاص داده است این در حالی است که از سال ۸۳ استاندارد آسانسور برای همه مکان ها اجباری شده است. نعمت الله کشیر، مسئول روابط عمومی اداره آتش نشانی گرگان اظهار کرد: در ۶ ماه نخست امسال ۲۳۴ مورد حادثه آسانسور به ما گزارش شد که در بیشتر آن ها قطعی برق یا نقص فنی آسانسور منجر به محبوس شدن فرد در کابین شده بود. وی افزود: در تابستان به علت مصرف بالای برق شاهد محبوس شدن افراد در آسانسور بودیم و خوشبختانه امسال آماری از مصدومیت بر اثر آسانسور نداریم. کشیر ادامه داد: شرکت‌های پیمانکاری نصب آسانسور موظف به بازدیدهای دوره ای هستند ولی ساکنان مجتمع ها مسکونی کمتر به آن توجه می کنند. وی تأکید کرد: در سال های اخیر اقدامات مؤثری در فرهنگ سازی و پیشگیری در سازمان های آتش نشانی و اداره استاندارد و صنعت، معدن و تجارت انجام شده و شاهد کاهش حوادث آسانسور هستیم اما هم چنان این امر نیازمند همکاری شهروندان است.

دستگاه های مسئول در صدور مجوز و بازرسی آسانسورها ضعیف عمل می کنند

سینا رحیمی شهروند گرگانی است، او به ما گفت: آسانسورهای بسیاری از ادارات و مکان های عمومی، دولتی و مسکونی غیر استاندارد و دلهره آور هستند. وی با بیان این که بازرسی هایی که هم اکنون صورت می گیرد هیچ تأثیری در بهبود کیفیت آسانسورهای نصب شده نداشته است، تصریح کرد: این امر نشان می دهد که سازمان نظام مهندسی و شهرداری ها در اعطای مجوز بهره برداری از آسانسورها دقت کافی را ندارند.

۲۰۰ شرکت غیرمجاز نصب آسانسور در گلستان وجود دارد

محمدرضا آلوستانی، عضوهیئت مدیره سازمان نظام‌مهندسی گلستان، گفت: در استان ۳۰ شرکت با مجوز از اداره صنعت، معدن و تجارت و اداره استاندارد در زمینه آسانسور فعالیت می کنند، البته بالغ بر ۲۰۰ شرکت نیز بدون مجوز و غیرقانونی و زیرزمینی مشغول به کار هستند. وی تأکید کرد: فعالیت شرکت های غیرمجاز مردم را دچار تنش و دردسر می کند زیرا آن ها اجناس بدون کیفیت و بدون استاندارد به کار می برند و سبب ایجاد حادثه می شود. آلوستانی تصریح کرد: دو نوع نظارت بر کار شرکت های نصب آسانسور وجود دارد، اداره استاندارد و صنعت، معدن و تجارت بر کار این شرکت ها نظارت می کند، هر آسانسوری که ساخته می شود زمان بهره برداری باید تأییدیه گواهی استاندارد داشته باشد. وی ادامه داد: دومین نظارت وجود مهندسانی است که در سطح کشور دوره بازرسی آسانسور دیده و صاحب صلاحیت هستند، این افراد کار این پیمانکاران را کنترل می کنند و اگر نقصی نباشد آن را تأیید می کنند تا اداره استاندارد به آن آسانسور گواهی دهد. آلوستانی اظهار کرد: مالکان ساختمان ها باید برای تعمیر، نگهداری و سرویس آسانسورها، سالیانه با این شرکت ها قرارداد ببندند و هزینه ماهیانه آن ۵۰ الی ۱۰۰ هزار تومان است.

کارگروه آسانسور و پله برقی در گلستان شکل گرفته است

عضو هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی گلستان تصریح کرد: در سازمان نظام مهندسی از سال ۹۴ کمیته کارگروه آسانسور و پله برقی شکل گرفت که از طرف هیئت مدیره دو کارشناس برق و مکانیک تعیین شدند و مشغول به فعالیت هستند. آلوستانی گفت: اعضای دیگر کارگروه افرادی از سندیکای آسانسور و پله برقی استان گلستان (متشکل از ۳۰ شرکت دارای مجوز نصب آسانسور)، اداره راه و شهرسازی، اداره صنعت، معدن و تجارت و اداره استاندارد هستند و هدف این کارگروه نیز محدود کردن فعالیت شرکت های غیرمجاز است. وی ادامه داد: البته در این راه به همراهی شهردار گرگان، معاون استاندار و مردم نیازمندیم تا جلوی فعالیت شرکت های فاقد صلاحیت را بگیریم.

مردم به شرکت های مجاز آسانسور مراجعه کنند

عضو هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی گلستان اظهار کرد: مردم باید اطلاعات خود را در زمینه شرکت های مجاز آسانسور بالا ببرند، متأسفانه قیمت پایین آسانسور در شرکت های غیرمجاز، سازندگان ساختمان را به سمت آن ها سوق می دهد و به علت لحاظ نشدن کیفیت، مردمی که خریدار هستند، قربانی می شوند. وی تأکید کرد: همه باید کمک کنند تا ساختمان ها به سمت مهندسی ساز شدن حرکت کنند تا اهرمی های دخیل در ضرر و زیان مردم از بین بروند. آلوستانی با بیان این که اگر خلافی از شرکت ها سر بزند اداره استاندارد آن ها را جریمه، تعلیق یا محروم از فعالیت خواهد کرد، اذعان کرد: گاهی مشاهده می شود که شرکتی که صلاحیت ندارد برای انجام پروژه، مُهر صاحب پروانه را می خرد و با آن تأییدیه استاندارد می گیرد. وی همچنین گفت: بهترین شخص برای نگهداری هر ساختمان بهره بردار آن است، بنابراین او باید زمینه استاندارد منزل خویش را فراهم کند. آلوستانی ادامه داد: مالک باید به فرد اصلح برای آسانسور ساختمان خود مراجعه کند تا اگر مشکلی پیش آمد، آن شرکت جوابگو باشد. عضو هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی گلستان یادآور شد: سال گذشته اداره استاندارد به وضعیت استاندارد آسانسور ادارات و مراکز تجاری ورود پیدا کرد و بسیاری از آسانسورها ناایمن پلمپ شدند. برای چگونگی نظارت بر کار شرکت ها با مدیر کل استاندارد گلستان گفتگو کردیم. محمود فرمانی اظهار کرد: استاندارد آسانسورها اجباری است و افرادی که آسانسورهای جدیدی نصب می کنند برای این که بتوانند پروانه پایان کار از شهرداری بگیرند، حتما باید تأییدیه یکی از شرکت های آسانسور را به شهرداری ارائه دهند. وی تصریح کرد: در ساختمان های تازه تأسیس، با همکاری شهرداری پایان کار به ساختمانی که فاقد تأییدیه آسانسور باشد داده نمی شود تا ایمنی مردم حفظ شود. فرمانی ادامه داد: این تأییدیه، «تأییدیه اولیه آسانسور» نام دارد که یک سال معتبر است و از این به بعد هرسال آسانسورها باید بازرسی شوند که «تأییدیه بازرسی ادواری» نامیده می شود. مدیر کل استاندارد گلستان خاطرنشان کرد: هیچ اهرمی وجود ندارد که در سنوات بعدی به منازل شخصی مردم ورود پیدا کنیم، بنابراین از خود ساکنین دعوت می کنیم که به سمت ارتقاء و بالا رفتن ضریب ایمنی خود حرکت کنند. وی افزود: مردم می توانند به سایت ما مراجعه و درخواست و اطلاعات خود را بارگذاری کنند، تمام مراحل الکترونیکی است و نیاز به مراجعه حضوری نیست. فرمانی توضیح داد: سایت به صورت تصادفی اشخاص را به یکی از شرکت ها بازرسی که در استان مستقر است ارجاع می دهد، کارشناس در محل حاضر شده و بازرسی انجام می شود و نقطه نظرات فنی ارائه شده و اگر مطابق استاندارد باشد تأییدیه بازرسی ادواری برای آن ها صادر می شود.

۴ شرکت فعال در بازرسی آسانسور در گلستان وجود دارد

مدیر کل استاندارد گلستان اظهار کرد: چهار شرکت بازرسی آسانسور در گلستان وجود دارد و این تعداد جوابگوی نیازهای استان هستند. فرمانی افزود: اداره استاندارد بر کار این شرکت‌ها نظارت می کند و اگر شکایتی وجود داشته باشد با آن شرکت برخورد خواهد شد. وی بیان کرد: از سال گذشته طرح ویژه ای برای آسانسورهای مکان های عمومی (بیمارستان ها، درمانگاه ها، هتل ها، پاساژها و ...) شروع شد و تأییدیه های استاندارد از آن ها مطالبه شد، در صورت عدم ارائه تأییدیه به آن ها زمان می دهیم تا نسبت به دریافت آن اقدام کنند در غیر این صورت آن را پلمپ می کنیم و به مراجع قضایی مراجعه خواهد شد، برخی از آسانسورهای دستگاه‌اجرایی استان در سایت اداری پلمپ شدند.

به‌ضریب‌ایمنی‌خودبیندیشیم

آسانسورها معمولاً در نصب و راه اندازی مشکلی ندارند؛ به خصوص که آسانسورهای جدید به وسیله اداره استاندارد کنترل می شود، اما این وسط جای بازدید ماهیانه با کیفیت به طور قابل توجهی مبهم است زیرا همه مشکلات به مرور زمان ایجاد می شود و تعمیر غیراستاندارد است که ایمنی آسانسور را از بین می برد. بنابراین نسبت به بازدیدهای ماهانه و طرز نگهداری و هویت و صلاحیت فنی و عمومی پیمانکار نگهداری آسانسور محل سکونت خود بی تفاوت نباشید. اگر فردی در آسانسور محبوس شد باید ضمن حفظ آرامش با شماره ۱۲۵ تماس بگیرد یا این که با صدای بلند و ضربه‌زدن به کابین کمک بخواهد. متقاضیان بازرسی آسانسورها می توانند درخواست بازرسی را از طریق سامانه مدیریت بازرسی آسانسور به آدرس www.lift.isiri.org.ir از قسمت فرم درخواست بازرسی ادواری ثبت کنند.

آمادگی دستگاه قضایی گلستان برای حمایت از سرمایه گذاران

رئیس کل دادگستری گلستان از آمادگی این دستگاه برای حمایت از سرمایه گذاران در استان خبرداد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دادگستری گلستان، هادی هاشمیان در دیدار با استاندار گلستان با تشریح بخشی از دستاوردهای دادگستری استان اظهار کرد: کاهش ورودی ۲۰ هزار پرونده به محاکم استان، سازش ۵۰ درصدی اختلافات در شعب ویژه صلح و سازش و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها ازجمله مواردی است که با تعامل و همراهی دستگاه‌های اجرایی با دستگاه قضایی محقق شده است. هادی هاشمیان گفت: امنیت بسترساز جذب سرمایه‌گذار، تولید و اشتغال است که این مهم با تعامل و همراهی دادگستری و دستگاه‌های اجرایی محقق می‌شود. این مقام ارشد قضایی استان افزود: دادگستری با ظرفیت‌های موجود در شورای قضایی (شورایی با عضویت سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضاییه)، شورای حفظ حقوق بیت‌المال و ستاد اقتصاد مقاومتی آماده کمک و همراهی با استانداری برای تسهیل در ارائه خدمات به مردم، حفظ اراضی ملی و منابع طبیعی و امنیت سرمایه‌گذاری است. هاشمیان گفت: امیدواریم این تعامل بین استانداری به‌عنوان نماینده دولت و دادگستری به‌عنوان نماینده قوه قضاییه در استان تداوم داشته باشد. استاندار گلستان هم در این دیدار با قدردانی از تلاش‌های دستگاه قضایی استان گفت: همه تلاش ما بر وحدت و امنیت است که خوشبختانه در استان این نعمت به سبب همدلی مسئولان دستگاه‌های اجرایی، قضایی و انتظامی، روحانیان و مردم وجود دارد.

آگهی مزایده عمومی

شهرداری گرگان با استناد به ماده ۳۰ آئین نامه معاملات در نظر دارد نسبت به فروش یک واحد خدماتی واقع در بلوار ناهارخوران عدالت ۶۵ مجتمع الماس طبقه سه –واحد ۳۰۴ را برابر مشخصات ذیل از طریق مزایده عمومی اقدام نماید.

لذا متقاضیان می توانند از تاریخ ۹۶/۸/۸ لغایت آخر وقت اداری مورخ ۹۶/۸/۲۰ به واحد امور قراردادها ی شهرداری به به آدرس اینترنتی WWW.GORGAN.IR مراجعه و از شرایط و نحوه واگذاری موضوع آگهی اطلاع حاصل نموده و در صورت تمایل به شرکت در مزایده با رعایت شرایط ، اسناد و مدارک مورد نیاز نسبت به ارائه تضمین شرکت در مزایده در پاکت الف و پیشنهاد قیمت در پاکت ج به صورت کتبی و لاک و مهر شده لغایت ۹۶/۸/۲۰ به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان – میدان شهرداری – شهرداری گرگان اقدام نمایند.

ردیف	مساحت‌مترمربع	کاربری	ششدانگ‌پلاک‌ثبتی	آدرس	قیمت‌پایه	مبلغ‌سپرده‌شرکت درمزایده‌ریال
۱	۱۳۴/۷۳	خدماتی	فرعی ۵۷۴۶ اصلی ۳۹۹۶	بلوار ناهارخوران – عدالت ۶۵ مجتمع الماس – واحد ۳۰۴	هر متر مربع ۴۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعا ۵/۵۲۳/۹۳۰/۰۰۰ ریال	۵۵۲/۳۹۳/۰۰۰ ریال

مهدی باقری – سرپرست شهرداری گرگان   **تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲**

آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آراء هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱– آقای منصور سیرتی فرزند غلامعلی به شماره شناسنامه ۴۷۷ صادره زابل کد ملی ۳۶۷۱۴۹۳۵۷۷ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۱۴۴/۴۵ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۹۹۹ –۹۶/۶/۳۰ کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۳۵۹

۲– خانم آسیه صفری فرزند حسن به شماره شناسنامه ۸۹۹ صادره گرگان کد ملی ۲۱۲۰۶۳۸۹۵۰ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۴۱۴/۴۸ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۰۰۰ –۹۶/۶/۳۰ کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۶۰۷۰

۳–آقای سید علی رضیعی فرزند سید رحمت اله به شماره شناسنامه ۳۰۸۷ صادره کردکوی کد ملی ۲۲۴۹۸۶۹۹۶۰ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۱۹۸/۷۹ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای اصلاحی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۰۰۲ –۹۶/۶/۳۰ کلاسه پرونده ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۳۰

۴–آقای حسین نوری فرزند پیروردی به شماره شناسنامه ۲۶ صادره مینودشت کد ملی ۴۸۸۹۶۵۰۷۴۱ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۲۷/۳ متر مربع پلاک ۸۰ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی اراضی روستای ایلوار یکدانگه طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۹۹۷ –۹۶/۶/۳۰ کلاسه پرونده ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۲۴

۵– آقای علی محمد یوسفی فرزند غلام به شماره شناسنامه ۳۰۹ صادره بهشهر کد ملی ۲۱۸۰۷۹۱۵۲۶ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۱۷۲/۳۹ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۰۰۱ –۹۶/۶/۳۰ کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۲۹۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۹۶/۷/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۸/۸
عبدالرحمن ایری – کفیل ثبت اسناد و املاک شهرستان کردکوی – م.الف–۸۵۸۷

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای رمضانعلی محمدشفیع فرزند باقر به شماره شناسنامه ۲۵ صادره از گرگان دارای شماره ملی ۲۱۲۲۳۹۱۴۵۶ با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده شماره ۷۹۵۶ –۹۶/۶/۲۵ توسط دفترخانه شماره ۶۸ گرگان طی درخواست شماره ۱۶۰۹۹ –۹۶/۷/۱ ادعا نموده است که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان زمین با بنای احداثی بمساحت ۴۰۴/۳۷ مترمربع پلاک ۲۹۵۴ فرعی از ۱۱۸ الی ۱۲۳ – اصلی واقع در بخش دو گرگان بنام آقای رمضانعلی محمدشفیع (سند تکبرگی) به شماره چاپی ۶۶۵۲۶۳ سری ب ۹۳ به نسبت ششدانگ پلاک فوق صادر و تسلیم گردیده است که بعلت جابجایی مفقود گردیده است و در رهن و بازداشت نمی باشد تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۸) و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

محمد اسماعیل پور – کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۸۳۷ م الف

خبر

زیرساخت‌های منطقه مرزی اینچه برون ناامید کننده است

استاندار گلستان گفت: زیرساخت‌های منطقه مرزی اینچه برون بسیار نا امید کننده و از افق ۱۴۰۴ عقب مانده است. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در بازدید از منطقه مرزی اینچه برون، اظهار کرد: منطقه مرزی اینچه برون در بخش زیرساختی از افق ۱۴۰۴ عقب مانده و اگر این مشکلات برطرف نشود تصمیمات دیگری گرفته خواهد شد. وی افزود: برای برطرف کردن مشکلات زیرساختی این منطقه به خصوص گمرک و خط ریلی به کمک تمامی دستگاه‌های اجرایی و مدیران محلی نیاز است. هاشمی با مهم خواندن تجارت در منطقه، خاطرنشان کرد: گلستان منطقه مناسبی برای صادرات است و وجود کشورهای حاشیه دریای خزر و روسیه و همچنین خط ریلی، کمک زیادی در این بخش خواهد کرد. وی ادامه داد: عبور روزانه خودرو از مرز باید از ۸۰ به دو هزار برسد و بر اساس برنامه ۱۴۰۴ باید ۶ میلیون و ۷۷۰ هزار تن کالا مبادله کنیم که اکنون فقط ۱۶۲ هزار تن صادرات انجام می‌شود. استاندار گلستان با بیان اینکه عقب ماندگی در زیرساخت‌های منطقه اینچه برون نا امید کننده است، گفت: برای برطرف کردن این عقب ماندگی‌ها باید در سطح ملی و نامه نگاری با وزارتخانه پیگیری شود. هاشمی تصریح کرد: موانع بخش راه آهن هم باید برطرف شود و همکاران در راه آهن قول داده‌اند تا ابتدای آذرماه خط عریض به طول سه هزار و ۲۰۰ متر را تحویل دهند. وی یادآور شد: امکانات رفاهی منطقه اینچه برون بسیار ضعیف است و برای گردشگران و حتی هم استانی‌ها مناسب نیست، این امکانات را باید با کمک بخش خصوصی و دولتی تامین کنیم و در صورت عملیاتی نشدن آن تصمیمات مدیریتی دیگری اتخاذ خواهد شد.

مرکز پژوهش های شورای شهر گرگان تشکیل شود

عضو شورای اسلامی شهر گرگان گفت: تأسیس و راه اندازی مرکز پژوهش های شورا از ضروریات است تا از تصمیمات آنی و غیرکارشناسانه جلوگیری شود. به گزارش مهر، حمیدرضا آقاملایی اظهار کرد: بدون تردید کارنامه حسین صادقلو شهردار قبل گرگان مانند هر مسئول دیگری توأم با نقاط قوت و ضعفی است که باید منصفانه ارزیابی شود. وی حفظ انسجام میان اعضای شورا و جلوگیری از اتفاقات تلخ گذشته را خواستار شد و بیان کرد: شورای پنجم برای عبور از شرایط دشوار و برآوردن خواسته های شهروندان به یاری نخبگان و کارشناسان نیاز دارد و در شورا برای پیشنهادات و انتقادات باز است. آقاملایی با بیان این که معیار عملکرد من است قانون و شرع است، تأسیس و راه اندازی مرکز پژوهش های شورا را پیشنهاد داد و گفت: این مرکز از تصمیمات آنی و غیرکارشناسانه جلوگیری می کند و ضمن بهسازی بدنه و پرسنل اعضای شورا، کمیته ای برای اصلاح ساختار تشکیلاتی شورا است تا کاستی ها برطرف شود. وی افزود: گرگان دومین شهر پرجمعیت شمال و شمال شرق کشور است و مشکلات زیادی دارد بنابراین جهت بهره وری پیشنهاد می شود همه مسئولان با دبیرخانه شورای شهر گرد هم آیند و کارهای مشترکی انجام شود. این عضو شورای شهر اظهار کرد: پیرو رأی کمیسیون مالی و بودجه، کمیسیون سرمایه گذاری برای جذب سرمایه گذار تشکیل شود، اگرچه تنگنا زیاد است و بودجه محقق نشده اما افق ها امیدبخش است.

کاروان خدماتی شهرداری گرگان در کربلا مستقر شد

۴۰ نفر از نیروهای شهرداری گرگان برای خدمت رسانی به زائران اربعین در کربلا مستقر شدند. به گزارش مهر، حدود ۴۰ نفر از نیروهای خدماتی شهرداری گرگان برای خدمت رسانی به زائران اربعین در موکب علی ابن موسی الرضا (ع) گلستان در کربلای معلی، مستقر شدند. این نیروها روز چهارشنبه (۳ آبان) در محل موکب مستقر شده و تا پایان مراسم عزاداری اربعین در منطقه هستند و به امورات زائران رسیدگی می کنند. یک اکیپ امداد و نجات از نیروهای آتش نشانی نیز همراه این کاروان هستند. همچنین برای اعضای این کاروان، لباس فرم یکسان و جلسه توجیهی در نظر گرفته شده و تجهیزات هم در اختیار این پرسنل اعزامی قرار گرفته است.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

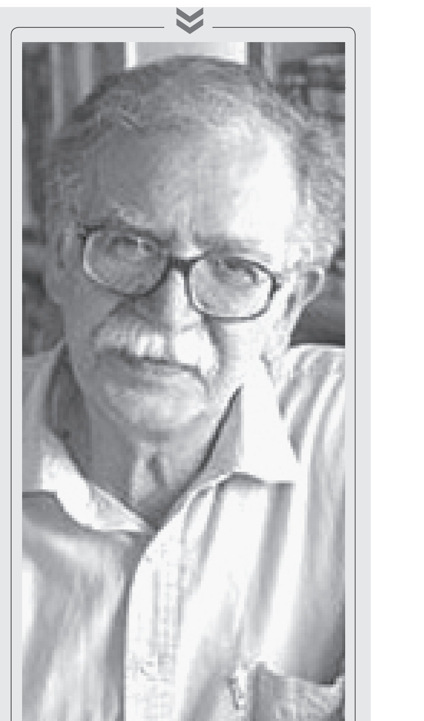

علی اشرف درویشیان

دلا نتوان حریف اهل تقوا جاوادان بودن
بر دردی کشان هم چند روزی می توان بودن

علی اشرف درویشیان یکی از نویسندگان مطرح ایرانی است که هفته گذشته دار فانی را وداع گفت او از جمله نویسندگانی بود که درد و رنج زندگی طبقات محروم را در داستان های خود منعکس می نمود.

یادداشت

روزگار ابری نویسنده آبشوران

علی اشرف درویشیان درگذشت

فرهاد حیدری گوران

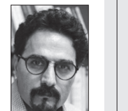

فقط دو بار او را دیدم؛ نخستبن بار در خیابان سهروردی شمالی به هنگام آیین بزرگداشت محمد پوینده و محمد مختاری در سال ۷۷، و بار دوم، از پشت شیشه‌ی کدر بخش icu بیمارستان ایرانمهر. آن روز در خیابان سهروردی، به کُردی با هم حرف زدیم و او با همان لهجه‌ی شیرین کرماشانی‌اش از احوال ناخوشایند و کلافگی خودش گفت:
که فتیمنه سه ناو دویزه مه...

اضطراب عجیبی در کلام و نگاه‌اش بود سرگرم حرف بودیم که با حمله‌ی خشونت آمیز گروه فشار به مراسم، جریان گفت‌وگوی ما نیز گسسته شد. از مهلکه که بیرون آمدم رفته بود. هر چه چشم چرخاندم ندیدمش. گذشت تا آن روز در بیمارستان. روی تخت به آرامی و سختی نفسی بر می‌آورد. نمی‌دانستم چه باید گفتن، چگونه باید گفتن؟ علی‌اشرف درویشیان، نماد نسلی از نویسندگان ایرانی است که نوشتن را زینت نام و نشان خود نکردند و نمی‌کنند. چنان‌که آن نقاش بزرگ، چنین نکرد و خودش گفته است:« من این واقعیت را همچون تعهدی پذیرفته‌ام که بی تفاوت و خنثی نمانم که از نقاشی تنها زینت دیوار نسازم و همه توانایی‌هایم را صرفاً در نمایش توانمندی هدر ندهم . دل مشغولی من همیشه این است؛ در جهانی که آدمی در تلاش حماسی خود در کار خلق روابط انسانی، پای بر زمین استوار کرده است؛ هنر، این والاترین شیوه‌ی زیست آدمی، چه برای من نقاش و چه برای شمای بیننده، چه دارد و چه خواهد داشت، اگر فریب بازی با فرم و ساختار و ابزار، آن را از هنرمند و انسان تهی کند». (به نقل از مقدمه‌ی کتاب نقاشی‌های علیرضا اسپهبد.)

کنش فرهنگی درویشیان آن هم در روزگاری چنین، در تعهد به انسان
و هستی اجتماعی معنا می‌یابد و شکل می‌گیرد؛ مقوله‌ای که می‌دانیم سنتی دیرینه دارد و خصلتی آرمانگرایانه. چنین است که درویشیان به قدر توان و تلاشاش، پیوسته نگاهدار آرمان فرهنگی و اجتماعی خود بوده و هول و هراس زمانه را در پرتو کار روشنفکرانه و امید به رهایی به جان خریده است. دامنه‌ی کار او چنان گسترده است که هیچ قصد ندارم آن را در این مقال خلاصه کنم. بررسی انتقادی آثارش نیز، مجال دیگر می‌طلبد. هفته‌ای پیش از آنکه روانه‌ی بیمارستان شود، گفته بود» دلام می‌خواهد جهان را برف بگیرد». در این کلام او، نکته‌ها نهفته است. این جمله‌ای از سر نومیدی و ملال رایج این روزها که در تاروپود جامعه تنیده شده، نیست. نشانی هم از امیدباوری سوبژکتیو ندارد.

تلخ است و ناسازه وار. وقتی از پس پنجاه سال نوشتن، مبارزه و کار نفس‌گیر، مجال نفس نیز نماند، تن و روان پولادین هم که داشته باشی از پا در خواهی آمد. مگر چه‌قدر می‌توان دندان خشم بر جگر خونین فشرد و ماند؟ آثار درویشیان انباشته از خون جگر است. نوشتار او، نوشتار فاجعه و واکاوی آن است به روش خاص خودش. فاجعه‌ی درونی را هم ببینیم. وقتی نویسنده‌های چنان با زبان و سوژه‌ی نوشتن، عجین می‌شود که هر آنچه می‌نویسد عین امر واقع و بازنمایی آن است خود در این فرایند مستحیل می‌شود و استحاله ای چنین، سر بر دار نهادن است؛ حلاجوار و جنون‌آمیز. اندیشیدن به فاجعه، و تلاش جانانه برای عبور از آن، کار علی‌اشرف درویشیان در سراسر زندگانی پرثمر و شکوهمندش بوده‌است.

یادش جاودانه باد.

علی‌رضانوری به مثابه علی‌رضانوری

تحلیلی بر شعر های علی رضا نوری

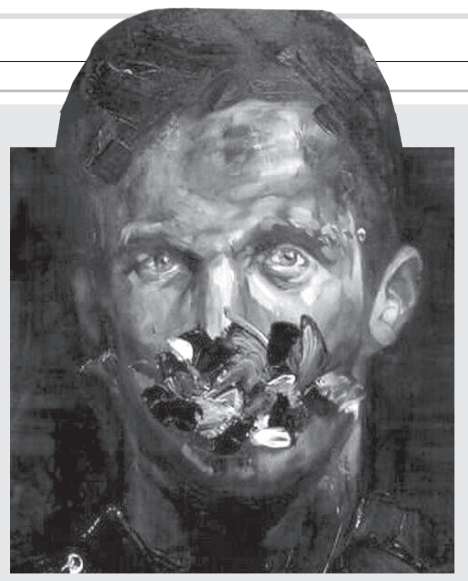

خسرو بنایی – مدتی ست که می خواهم بگویم که علی رضا نوری شعری می نویسد که لحن معیار مخصوص به خود دارد و در تعبیر آدرنویی که به درستی نوشتن را خانه ش کرده است . متنی که گاه می تواند بیش از یک شعر و گاه می تواند گزاره های تلخ و عریان تاریخی باشد .باید برای متن او نامگذاری کرد .اگر این فرض را بپذیریم که شعر تعریف پذیر نیست و یا با هر شاعر،شعر به تعریف جدیدی می رسد ،علی رضا هم توانسته با متن اش ، خود ش را تعریف کند . آنچه علی رضا نوری می نویسد آنچیزی ست که او می نویسد از کارکتری واحد یا یکه نیست که سعی در بازشناساندن هویت سوژه سخنگو در متن تاریخ باشد متن علی اریب بر تاریخ و تاویل های هر روزه اش است . به قول ژیل دلوزوقتی از زمان از دست رفته پروست می نوشت می گفت رمان پروست نوشتاری اریب بر زیست جهان اش می باشد .انتلکتوئلی که از ذهنیت پر حرفش می آید از هر آنچه تا با حال سخن نگفته از انحنا های مگو می آید مهم نیست چقدر این گفته ها از ضمیر دل آزار سرچشمه بگیرد و مرز ها اخلاق زبانی را در هم ریزد. کار او در هم ریزی اخلاقی نیست که خود را پشت استعاره اخلاق عمومی موجه و منزه می کنند کار او شورشی ست که تقلا دارد زبان را از ابزار بیانگری به بیانگری بی مرز و بی قراداد با خود برساند.

بینامتینت در او نه واسطه برای نوعی دغدغه فرمی که متن را حول مرکز های کوچک اش می چرخاند .متن او گفتگویی ست که درفرم رهاست و معذب اقتصاد بیانی نیست . کارکتر سخن گو متن او از سایه روشن های ضمیر بیرون می زند و زبان به درون حفره های شنوایی اش می رسدو ضمیر نا منسجم اروتیکی اش را منسجم می کند . روشنفکری که از مرزهای زبانی وقرادادهای مرسوم عبور می دهد. ذهنیت آنارشیستی که بر ای شورید ن به هر گونه سانسور از خود انتقامی گیرد و یقه روان اش را باز می کند و ذهن مذکر ش باز می گویم پاشنه آشیل اگر برای او فرض کنیم همین غلطت ذهن مذکر است. که سویه های ارضا نشده اش را بیان می کند . سوژه از تن تا تاریخ تحقیر شده است .متن علی شورش علیه تحقیری است که در متن هم به ارضا نمی رسد .انگار هر نوشته آغازی ست برای یک هماغوشی دیگر رخدادی که از متن ، تاریخ ، سکسوالیته و سیاست خودش را مهیا می کند برای شعر و ضد شعری که او از تجربه عبور می دهد. در شعر او زن هم تجسد تاریخ است هم ابژه ای همجوار و قابل لمس که ذهن و بدن را به هماغوشی تاریخ ننوشته می کشاند .در جلوه های اروتیکی انگار فریبکار است و در این همانی زن و تاریخ راوی مفعولیت سرنوشت تاریخی ست .تخیل ، زن و تاریخ و این که زن همان لیبدو و موتور متحرک تاریخ است و می توان این گزاره مارکسی را اینگونه دستکاری کرد که نه جنگ که زن دایه تاریخ است. اما زنانگی در این متن چون جهان پدر سالار در جهان عینی هنوز قادر به رهایی زاویه دیدخود از ذهنیت ایجابی مذکر نیست .چرا که هنوز در بازیابی خود با تمام غریب گردانی های لحنی مردند باقی می ماند . در یک جا شاعر است در بندی دیگرمرد و در بندی دیگر سوژه ای که به شاعر نگاه می کند .اما مخرج مشترک تمام این من ها ، کاراکتریست که قادر به انسجام خود نیست . تخیل در کار او بشدت تحلیلی و غیر تصویری ست. عامل بازدارنده ای در شعر علی رضا نوری هست که مانع از آن می شود که ادراک شخصی و زیبایی شناسی اش در طرز عمومی تری قرار گیرد و همانا عبور او از مرز های ممنوعه ذهنیت متعارف جغرافیای شعر امروز است . (اگر بتوان تعریفی از آن ارائه داد) هجو و رویکردی بی ملا حظه و رک گویی لومپنی و بکارگیری لحنی که سوژه محوری ، متن اش را از یک فیلسوف کوچه بازاری تا یک روشنفکر مبارز وگاه تا تمنای های یک انسان معمولی به امتزاج می رساند .برای همین ضربه های غافل گیرکننده اش در لحن گاهی یک مخاطب را به گونه که با گزاره هایی که آشناست جذب و در لحنی دیگر دفع می کند او هویت چند تیکه روشنفکری را به نمایش می گذارد که پایگاه ذهنی و طبقاتی تعریف شده و آشنایی ندارد . انگار سوژه سخنگو ی او هم از قعر طبقات به بالا نگاه می کند هم گاهی چون دانای کل و پرحرف در فراز تاریخ می ایستد .ضرباهنگ زبان اواز چنین چله ای رها می شود بدون آنکه مقصدی را نشانه رود .هر چه هست اودر زبان ، تجربه ناممکن رادر زمینه ناهموار روشنفکری ممکن می کند .زبانی که رک گویی های آرگو (عامیانه) را با ذهنیت تاریخی و عبارت سازی های رویاگون روشنفکر فاقد قدرت راز انحنای های اغو گرانه جنسیت تا سیاست به هم آوایی می رساند .چنین مختصات گل گشادی ست که مخاطب را درلب مرز های شعر او متحیرو مردد و در هماغوشی با متن های اومعذب می کند

نمونه ای ازشعر او که می تواند برخی مولف های تحلیلی فوق را در آن دید از مجموعه شعر شهر را می خوانیم :

برای دوست داشتن تو / دو دست و دو پا و دو کلیه کم است / تو را که یک روز قبل از سیاهی دیدم و دهانت زیباترین جای اندامت بود / باد از کجای من داخل رفته بود / سماع باد در من به شکل اسهال خونی تراوش کرد و خاورمیانه سرخ شد / دنیایی بودم تلفیقی از عرفان وزن و قوه ی شهوانی / جهان دستی می خواست بتواند نامه ی عاشقانه بنویسد / بتواند نقشه ی جهان را مچاله کند بچسباند به هم / کسی هست آیا مرا به زنانگی زن / به زنانگی زمین / به زنانگی قبایل سرخ پوست دعوت کند / کسی هست که صدایش را / صدایش را / در تاریخ / در تاریخ جا نگذاشته باشد / کسی هست که چون شاخ تر به رقص آید / کسی هست که دست هایش دست های دیه گو آرماندو ماردونا باشد / کسی هست که دست های شبلی را وقتی که گل پرت می کرد شعر کرده باشد / کسی هست که از فارسی فرار کرده / فرار کرده باشد / تو یک زن گم شده در کوچه های پر از سگ های هاری / تو دست هایت از عاشقانه های فارسی بیرون / تو لاغر شده ی ایروبیک و رژیم / تو محصول معماری سنتی هستی / تو را قبل از سیاهی بدنام کرده اند عزیزم / همین که باید در قلب من فرومی رفتی / همین که باید آن لحظه ی فراغت در زایشگاه زور بزنی / برای دوست داشتن تو آدم باید علاوه بر شاعر بودن یک خانه در بالای شهر داشته باشد / من شاشیدم به آن شاخه گلی که شبلی پرت کرد / به آن سنگی که بر پیشانی حسنک فرود آمد / کسی هست که حسنک را قبل از خبه شدن سنگ زده باشد / همیشه یک جای جهان باد می آید / اسهال خونی جهان از دهان خاورمیانه بیرون می زند / دیری است که من عاشقم / و نام معشوقه هایم را در اشراق های شرق گم کرده ام / کسی هست که دست هایش فوق دست های دیه گو آرماندو مارادونا باشد / نه / واقعا کسی هست

ناجی‌شعر دیگر

الهام اصلانی

بی‌تردید فیروز ناجی، یکی از نام‌های اثرگذار شعر ایران است که صدای او در همه ادوار شعر معاصر، از نیما تا امروز، به گوش رسیده است. شاعری که در ۱۳۴۸ حضورش، اعتباری برای بیانیه شعر حجم به‌شمار می‌آمد و «شعر دیگر» وامدار شاعرانگی و زبان و لحن متفاوت او بوده و هست. اِشراف فیروز ناجی به تئوری و تاریخ شعر و آشنایی‌اش با ادبیات سایر مِلل، او را به حیطه نقد و نشریات ادبی آن روزگار کشاند، چه این‌که فعالیت او در مطبوعات، زمینه‌ای فراهم کرد تا شاعرانی جوان و نوجو، پا گیرند و شعر را نه تفنّن که دغدغه‌ای جدی و درونی بشمارند. حضور فیروز ناجی در مجلاتی همچون «تماشا» و سرپرستی صفحات پربار شعر این نشریات، بی‌شک بهترین ادوار فعالیت آن‌ها را رقم زده است. در سال ۱۳۵۱ هنگامی که «انتشارات ۵۱» قربانی اختناق ساختاری شد که هر استعاره و نماد و تشبیه را اشاره‌ای سیاسی می‌پنداشت و رأی به سانسور و توقیف‌شان می‌داد، مجموعه اشعار فیروز ناجی نیز به سرنوشت دیگر آثار این نشر دچار شد و پس از چاپ، برگ‌برگش خمیر و نابود شد، اما این نابودی، نه‌تنها مرگ این جریان نبود، که سرآغازی شد برای تولد صدا و شعری دیگر. آن آثار در ۱۳۵۹ بار دیگر منتشر و در مدت زمانی کوتاه، کمیاب و سپس نایاب شدند. دو دفتر شعر فیروز ناجی یعنی «نام‌های بسیار» و «دورنمای زمستانی با یک سگ و صاحبش» در همین سال چاپخش شد. از آن سال تاکنون، فیروز ناجی که در خلوت و به‌دور از حواشی‌ها و هیاهوهای عبث فضای ادبی، زندگی را در جوار شعر و ادبیات می‌گذراند، هیچ مجموعه شعری منتشر نکرده است. «سرخوش از غمی که هرکجا پنهان» به ناشری انتشارات «رُشدیه»، تنها اثری است که پس از گذشت بیش از ۳۰ سال، با رضایت و ویرایش شاعر به طبع رسیده و با جمع داشتن سه دفتر، تصویری کامل از سیر تطور زبان و لحن فیروز ناجی به‌دست می‌دهد:

«هرچه از ماست، بی‌دریغ، به فرجامی کودکانه می‌رسد، بار دیگر به خیالِ رُستنی‌هــا می‌روییم و، بارور از میوه‌ها و برگ‌ها، دوباره آفتاب می‌گیریم. بی‌گمان شبی ستاره نداده‌ست، چه این مسافرانِ کج‌اندیشِ آسمان بر شانه‌ام نشسته‌اند سوگوار. آه، کودکی‌ام، کودکی‌ام، که آرزوی سفر می‌داشتی... حال، سحرگاه، در خیالی از ابر، می‌گذرم؛ و بازی بازیگری، در جامه جادوگری، بپاست... بر بالینم، چیزی از این صبح نمی‌خواند مگر خُنکای نَفَس‌های بلور. از پنجره روی می‌گردانم به نقشه‌ی دیوار. تا پلک گشودی، گل‌های مینا از تهِ دریاچه می‌شکفتند. و این صبح بود، که برمی‌خاستم...»

اصالت تجربه‌های فیروز ناجی و آن‌چه او و همراهانش چون بیژن الهی و بهرام اردبیلی به آن می‌اندیشیدند و بر آن پای می‌فشردند، امروز پس از گذشت سال‌ها عیان می‌شود. در میان اغتشاش امروز شعر ایران و در برابر تجربه‌های عقب‌افتاده شاعران خودخوانده‌ای که شعر(!) می‌گویند، آن‌چه پیشگامان شعر معاصر ایران و شاعرانی همچون فیروز ناجی به‌روی کاغذ آوردند، به‌خاطرمان می‌آورَد که شعر چگونه باید افق‌های تازه‌ای پیش روی زبان بگشاید و شاعر چگونه می‌تواند با شناخت قاعده، به شکستن قواعد دست زند؛ به‌گونه‌ای که به گرداب هرز و هذل‌گویی نیفتد، آن‌چه شوربختانه صفحاتِ پرشمار کتاب‌های شعرِ شاعرانِ امروز، مشحون از آن است. «سرخوش از غمی که هرکجا پنهان» دومین مجموعه از دفترهای شعر «رشدیه» است. این ناشر قصد دارد در ادامه این مسیر، آثاری از محمدرضا اصلانی، سیروس رادمنش و شاعرانی جریان‌ساز از این دست را نیز منتشر کند، شاعرانی که اگر امروز چیزی به‌نام شعر ایران، وجودی قائم به ذات خویش دارد، مرهونِ هنر و تجربه آنان است. «صبح می‌شود، تا هر کسی به یادم آرد، آن‌که شرمگین و تهی بر بوسه‌های زمین راه می‌سپارد، با شیرینی و بخشایش شب‌های مرده چه خواهد کرد؟ چون صدای آب‌ها، در خواب‌های نارُستنی، در افسردگیِ ترانه‌های دیرپا.

هراسیده و رنجور، کفپوشی از غبارِ آفریده‌هـای ناپیدا می‌گسترانیم بر سنگ‌های گوگردیِ زمان.

نمی‌آرمی، ستاره‌ی ناشکفته‌ی شب‌هایم، نمی‌آرمی...
و یا دست و یاد که لبریزم می‌کند، تنها، برای مرگ.»
(ص ۱۰۹)

«در غبار روزها دست‌هام می‌تراود و می‌گذرد، همچنان که زنی می‌خواند حوالیِ میزهای عاطلِ ساحل؛ پرندگان در گودیِ دست‌هام می‌افتند، بی‌که بدانم راهم همیشه مَسیری نمناک داشته‌ست. بانوان گرامی، آوا تان می‌آید و، در شیارهای خاموش درخت، پس شعله‌ها می‌گردد و بالا می‌رود. گویی فرشته‌های ناپیدای شبید در انحنای گلو، و باسنبله‌ها خمیده در باد، می‌چرید در سواحل نیلیِ کوه.

پس بگذریم از شما بانوان، که آب‌های سرد مجال تماشا نمی‌دهند. بر پُشته‌ها بخرامید و بر ابرها شنا گیرید آرام آرام. پی‌تان، سَفینه‌ها به آب خواهیم داد. و اکنون دنیایی سیاه، خفته در ته ماه: برخاسته‌ام نوشابه‌های گرم سر کِشم، سرخوش از غمی که هرکجا پنهان..»
(ص ۱۰۵)

از: «سرخوش از غمی که هرکجا پنهان»
سروده‌های فیروز ناجی

خوابی که مرا بیدار نمی کند

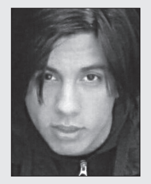

فرزاد خدنگ –آدم باید خودش را بکشد بعد یک گوشه بایستد، کمی به تاسف دیگران بخندد و از ترس دیگران بترسد. منتها لکه‌های خون باید دیوار پشت سر را کاملا بپوشانند. اینطور همه به این باور می‌رسند که مرگ از روبرو آمده و من فرار نکرده‌ام. بلکه مرگ من از من رد شده است. باید از ابتدا با شما رک باشم، هرچند با خودم هم در کسری از این ۲۶سال رک نبوده‌ام و از رک بودن هم ترسیده‌ام. من میترسم از همه‌چیز. و این نه در کودکی من و نه در خاطرات من ثبت شده بلکه در آینده من پیداست. درست جایی که به تاسف دیگران میخندم و از ترس آن‌ها میترسم. دیگران مثل من میترسند که نکند این ماجرا برای آن‌ها هم اتفاق بیافتد اما من برخلاف آن‌ها اینجا ایستاده‌ام و به سرد شدن لوله‌ی نقره‌ای تفنگی نگاه میکنم که از دهانم خودش را پرت کرده بیرون. لوله‌ای که قبل از اینکه در دهانم خودی نشان بدهد از حرف هایی که قرار نبود بعدا بزنم سردش شده. و حالا کنار من که با سری باز به دیوار تکیه داده ام به تاسف دیگران میخندد و از ترس دیگران میترسد. همیشه رنگ قرمز را دوست داشته‌ام، از کودکی مثل تمام مورد علاقه‌هایم قسمتی از زندگی روزمره‌ام را تشکیل می‌داده و برخلاف دیگران قاب یا تابش نکرده‌ام تا رو یا داخل کمد و امثالهم بگذارم. حالا هم قسمتی از من که دیگران می‌بینند را شامل می‌شود. شاید هم تمام درون من را که روی دیوار نقش بسته است و تکه‌های مغزم که روی دیوار پاشیده‌اند را به رنگ خودش در آورده. تکه‌هایی که با دیگران حرف میزنند و می گویند:»به تاسف دیگران میخندم و از ترس دیگران میترسم».

– به تاسف دیگران میخندم و از ترس دیگران میترسم.
– به تاسف دیگران میخندم و از ترس دیگران میترسم.
– به تاسف دیگران میخندم و از ترس دیگران میترسم.قطعا فکر کردن بعداز مردن آن‌هم به دست خود از آرزوهای هر آدمی‌ست. من هم تکه‌ای از مغز آدمی هستم که «من» نام دارم، آدمی که خودش را به این دلیل می‌کشد که نه از گذشته می‌ترسد و نه از آینده لکنت دارد. آدمی که با خودش تکرار می‌کرد:»خوابی که مرا بیدار نمی‌کند، بهتر است مرا بکشد.»

قسمت کتابخوان مغز دیگر این جمله را تکرار نمی‌کند. البته این به معنی پشیمانی نیست چون من می‌شنوم که می‌گوید:»به تاسف دیگران میخندم و از ترس دیگران میترسم.»

درست از این زاویه تکه‌های دیگری هم پیدا هستند. اما فقط من هستم که با دیگران فرق دارم. آن هم به این دلیل که در آینده شما ترس میبینم و شما را می‌بینم که تکرار می‌کنید:»خوابی که مرا بیدار نمی‌کند بهتر است مرا بکشد.»

نشسته‌اید روی یک صندلی چوبی یا نه مرگتان را برایتان راحت‌تر تعریف می‌کنم.

نشسته‌اید روی مبل، تلویزیون روشن است، شبکه خبر. و از قضا در مورد جنگ داخلی سوریه حرف می‌زنند. تفنگی را با لوله‌ی سردش برداشته، داخل دهانتان می‌گذارید و بعد زیرنویس تلویزیون را می‌خوانید که نوشته است:»خوابی که مرا بیدار نمی‌کند، بهتر است مرا بکشد». بعد تکه‌هایتان می‌ریزد پشتتان. درست مثل من. بعد من برای شما دیگران می‌شوم و به تاسف من می‌خندید و از ترس من می‌ترسید. اینطور می‌شود که ما همدیگر را، فرزندانمان را و همه را با مرگ مرور می‌کنیم و به جایی می‌رسیم که تکراری می‌شویم در حالت مردن. اما می‌ترسیم از شنیدن:»به تاسف شما میخندم و از ترس شما میترسم». صدای خنده‌هایی که با ترس همراه هستند تمام اتاق‌ها را مثل این اتاق پر می‌کند منتها برخلاف دیگر اتاق‌ها کسی در آن‌را تا ساعت ۲بعدازظهر که زمان تحویل اتاق‌هاست باز نمی‌کند. بعد از صدازدن‌های پیاپی :»آقای خسروی، بیدارید؟ داخل اتاقید؟» در می‌شکنند. چند نفر می آیند داخل اتاق. دماغشان را می‌گیرند. تلویزیون از جنگ داخلی سوریه که توسط کشورهای خارجی مدیریت می‌شود می‌گوید. خاموشش می‌کنند. بعد همه با هم تاسف می‌خورند و می‌ترسند. یک نفر می‌رود سمت یادداشت روی میز که کنار یک قاب عکس است. یادداشت و قاب عکس را برمی‌دارد. «دست نزن بذار زنگ بزنیم پلیس».

روی برگه نوشته شده:»خوابی که تورا بیدار نمی‌کند بهتر است تو را بکشد.»

می‌رود سمت پنجره، بازش می‌کند. به پنجره‌های ساختمان‌های روبرو نگاه میکند. همه باز هستند. به قاب عکس نگاه می‌کند اما چون برعکس می‌گذارد روی میز تصویری از عکس داخل آن نداریم. کاغذ را با مشت کردن دستش مچاله می‌کند، تفنگ را برمی‌دارد. در حالی که زمزمه می‌کند:»خوابی که مرا بیدار نکند، بهتر است مرا بکشد» از اتاق بیرون می‌زند. می رود سمت اتاق ۲۶ در را با ضربه محکم پا باز می‌کند. می‌نشیند روی مبل، و بدون آنکه تلویزیون را روشن کند. اتاق پر می‌شود از :»به تاسف دیگران میخندم و از ترس دیگران میترسم.»

شعری از گلی دیلم کتولی

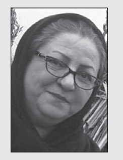

واژه در من با حضور تو خدایی میکند
چشمهایم عاشقی ها را گدایی میکند
هر قلم با میل خود میرقصد و در وصف تو
با نسیم و باد وباران همصدایی میکند
در نبودت نی تمام شب نوا سر میدهد
تا تو می آیی شکایت از جدایی میکند
باغ میمیرد تمام برگها در دست باد
بید میلرزد چکاوک را فدایی میکند
رقص برگ زرد بر شاخ صنوبر دیدنیست
زنجره در باغ رقصی ابتدایی میکند
برگ اگر زیبا برقصد دور میگردد زباغ
شاعری با یک غزل گاهی خدایی میکند

شعری از حبیب ا... سفریان

چون درگذرم به سدر و کافور شویید مرا
تلقین زگلاب، ناب گویید مرا
خواهید بروز حشر، یابید مرا
از خاک، گل سرمدی، جویید مرا:
مثنوی، یاسین قلب قرآن من است
ره گشا و رمز فرقان من است
گر کلامش بر زبان دل نشست
از کمالش عالمی را کرد مست:

شعری از وندا پرتوی

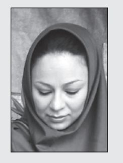

گندم به گندم می شمارم اضطرابم را
تسبیح هم خندیده این حال خرابم را
هی تکه بندازند و هی من برنمیدارم
از روی زخم صورت این لبخند نابم را
جوری مزخرف، آنقدر زشتست و بد ترکیب
شکلی که «باید» هم نمی سازم نقابم را
وقتی قناری پشت آوازش پی جفت است
«سنگین و رنگین» باز می خواهد جوابم را
دندان کرسی جای نیشت را نشان کرده
شاید گره وا شد رها کردم عذابم را
روی خری برعکس می تازم؛ قمارم: تو
هرگز نمی پردازی آن حق و حسابم را
دلخوش به «مرگی ساده» بودم پیش از اسرافیل
این کوههای واژگون له کرده خوابم را